



همه چیز داشتیم جز شانس



اردوغان یک ریاکار است



رژیم صهیونیستی دیروز ۲ خبرنگار شبکه المیادین را در جنوب لبنان به شهادت رساند
از ۱۷ اکتبر تاکنون ۶۳ نفر از اهالی رسانه در غزه و لبنان توسط صهیونیست‌ها به شهادت رسیده‌اند

شهادت شاهدان

صفحه ۷



تیتراهای امروز

رئیس‌جمهور در نشست فوق‌العاده اعضای بریکس درباره غزه، پیشنهادات کشورمان را برای حل مسأله فلسطین تشریح کرد

راهکار ایرانی برای فلسطین

رئیس‌جمهور: امروز کشورهای عضو بریکس مسؤولیت تاریخی دارند تا اثبات کنند ارزش‌های انسانی را نمی‌توان قربانی منافع سیاسی کرد



مجلس تصویب کرد: افزایش حقوق بازنشستگان تا ۹۰ درصد حقوق شاغلان مشابه و هم‌تراز

حقوق بازنشسته‌ها واقعی می‌شود

آغاز برگزاری دادگاه رسیدگی به اتهامات کادر رهبری گروهک تروریست منافقین از ۲۱ آذر

موعد محاکمه فرا رسید

ورود هوای سرد با سامانه جدید بارشی به کشور

برف و باران در چهار گوشه ایران

نگاه

عباس عبدی

در گیر جزئیات و در بند کلیات

جعفر علیان نژادی، جزئیات مهم است. بدون پرداختن به جزئیات نمی‌توان به یک شناخت قانع‌کننده رسید. البته منظور جزئی‌نگری و ماندن درون چیزها نیست. منظور در نظر گرفتن جزئیات است. پاسخ به یک سوال مهم فلسفی در این باره، می‌تواند مقصود ما را روشن‌تر سازد: «آیا جزئی کلی است؟» پاسخ این سوال هم بله است و هم نه! اگر مقصود از جزئی، اجزای عینی یک شیء باشد، جزئی کلی نیست و نمی‌توان حکمی که درباره یکی از اجزا وجود دارد، به کل اعضا تعمیم داد اما اگر جزئی به عنوان یک مفهوم مشترک در باره جزئیات باشد، جزئی کلی است. مقصود نویسنده برای در نظر گرفتن جزئیات همین است. بنابراین بدون در نظر داشتن مفاهیم مشترک در باره جزئیات، تحلیل‌های ما بی‌پایه و اساس بوده و تبدیل به کلیاتی تشریحی و حسی‌ناپذیر خواهد شد.

به بیان دیگر مانند در یک مصداق جزئی و نرسیدن به درک کلی از امور جزئی، تحلیل‌های ما را کم‌اعتبار و قابل تردید می‌کند. بسیاری از محتواها و مطالب این روزهای عناصر فعال سیاسی بی‌نصیب از این آسیب نیست. آقای عباس عبدی، روزنامه‌نگار پر تلاش و پرنویس اصلاح‌طلب که روزانه یادداشت‌هایی را برای روزنامه اعتماد می‌نویسد، یکی از این افراد است که گاه و بیگاه به این آسیب مبتلا می‌شود. به عنوان مثال وی در یادداشت چند روز پیش خود با عنوان «خدا یا انسان؟» این خطا را مرتکب شده است. وی به پنهان سخنرانی آقای حداد عادل در هفتمین کنگره علوم انسانی اسلامی، سعی کرده با ایراد نقدها و سوالاتی، اصل ایده علوم انسانی اسلامی را زیر سوال ببرد. عبدی در خطوط اولیه این یادداشت نوشته است: «نقد یا طرح پرسش درباره رویکردهای تحلیلی (حداد عادل) می‌تواند به درک آنچه در این جناح می‌گذرد، کمک کند». عبدی در همین یک جمله، یکی از آن ۲ خطای رایج را مرتکب شده است. او می‌خواهد با نقد رویکردهای تحلیلی حداد عادل به عنوان یک شخص یا یکی از احاد فکری جبهه انقلاب، به فهمی کلی درباره آنچه او جناح غالب نامیده است، برسد. یعنی رویکردهای تحلیلی یکی از متفکران جبهه انقلاب اسلامی را تماماً مورد قبول و وثاق جبهه انقلاب اسلامی دانسته و تحلیل ایشان درباره علوم انسانی اسلامی را به کل جبهه منتسب کرده است. عبدی در این خطا می‌خواهد حکمی را درباره یکی از احاد فکری جبهه انقلاب به کل این جبهه نسبت دهد. به معنای دیگر او مرتکب خطای یکدست‌سازی یا یکدست‌بنداری کل جبهه انقلاب شده است. طبیعی است درباره ایده علوم انسانی اسلامی در میان جبهه انقلاب شاهد تنوع و تلون نظر باشیم که اینگونه هم هست.

مکان دنیا هستند.

خبرنگارانی که با خون خود می‌نویسند

که در مجالی دیگر باید به صورت مفصل به آن پرداخت؛ اینکه چرا اسرائیل تا این حد بر اثر گذاری روی اذهان مردم ایران تلاش می‌کند (با راهاندازی دهها اکانت فارسی‌زبان در دولت، وزارت خارجه و حتی ارتش این رژیم)، با به کارگیری فارسی‌زبانان اسرائیلی (با آنها به اصطلاح ایرانی یک شبکه تلویزیونی. اینکه چرا جای خالی ما در میانه چنین معرکه مهمی (و متأسفانه بسیاری از نمونه‌های مشابه) اینقدر خالی است و اینکه چرا مردم دنیا دیگر هر آنچه رسانه‌های وابسته به نظام استکباری به آنها می‌گفتند را قبول نمی‌کنند و... اما آنچه در این مقال مد نظر قرار داشت، عرض ارادتی به خبرنگاران حاضر در نوار غزه - چه آنها که به شهادت رسیدند، چه آنها که هنوز با قدرت به وظیفه انسانی و حرفه‌ای خود ادامه می‌دهند- بوده خبرنگارانی که نماینده همه ما در غم‌انگیزترین زمان و در سخت‌ترین

رسیده‌اند یا اعضای زیادی از خانواده خود را از دست داده‌اند. نمونه دیگر آن «وائل حدوح» خبرنگار الجزیره بود که در میانه گزارش زنده خود از بمباران غزه توسط جنگنده‌های ارتش اسرائیل، خبردار شد در حمله دقیقی قبل از آن، همسر، دختر و پسرش را از دست داده است. این شکل اتفاقات در هیچ جای جهان جز غزه رخ نمی‌دهد. همانطور که در هیچ جای جهان ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار زندانی در تنها ۲۶۰ کیلومتر مربع زندگی نمی‌کنند. همانطور که در هیچ جای جهان ۴۷ روز مداوم هزاران تن بمب‌بر سر چنین منطقه کوچکی نمی‌ریزند و همانطور که در هیچ جای جهان، زنان و کودکان اینقدر در معرض ناامنی قرار ندارند.

خبرنگاران با تولیدات‌شان حتی فراتر از رسانه‌های رسمی‌ای که در آنها کار می‌کنند، افکار عمومی را با گوشه‌هایی از آنچه در غزه می‌گذرد آشنا کرده‌اند؛ هر چند بزرگ‌ترین پیام‌رسان این معرکه خود رژیم صهیونیستی است؛ با جنایات‌های بی‌سابقه‌ای که حتی

رسانه‌های شان کند. این رسانه‌ها در سخت‌ترین شرایط امنیتی و امکاناتی در حال انتشار اتفاقاتی هستند که در غزه می‌افتد، در حالی که رژیم صهیونیستی اجازه ورود رسانه‌ها و خبرنگاران دیگر به غزه را نمی‌دهد و در دیگر مناطق نظیر کرانه باختری نیز با بیشترین تلاش برای سانسور و جلوگیری از فعالیت خبرنگاران برخورد می‌کند. به همین دلیل است که با گذشت ۴۷ روز از آغاز این نبرد که کرانه باختری روز به روز شعله‌ورتر می‌شود، چندان اخبار دقیقی از این منطقه منتشر نشده و این سوال را برای بسیاری بوجود آورده است: در میانه نبرد خونین غزه، چرا از کرانه باختری خبری نیست؟

روز که تک تیرانداز ارتش اسرائیل سر «شیرین ابوعاقله» را در ورودی اردوگاه جنین هدف قرار داد، مشخص بود عملکرد رسانه‌های جهان در مجموع به ضرر این رژیم است و باید جلوی فعالیت آنها گرفته شود. خبرنگاران بسیاری تا امروز در غزه به شهادت رسیده‌اند یا مجروح شده‌اند. تعداد شهدای خبرنگار حاضر در غزه لبنان به ۶۳ نفر رسید. این عدد اگر چه در میان ۱۳ هزار انسان بی‌دفاع غزه (که بیش از ۷۰ درصد آنها زنان و کودکان فلسطینی هستند) رقم زیادی محسوب نمی‌شود ولی در میان تعداد معدود رسانه‌های حاضر در این جنگ که تحت یکی از سخت‌ترین شرایط جنگی سال‌های گذشته وظیفه اطلاع‌رسانی از وضعیت غزه را بر عهده دارند، عدد بسیار بالایی محسوب می‌شود.

یادداشت



رژیم صهیونیستی در نبرد توفان الاقصی افکار عمومی را باخته است (همانطور که در روز اول جنگ هم شکست سنگینی خورد و تا امروز هم بعد از ۴۷ روز دستاوردی نداشته است) و طبیعی است به صورت هدفمند اقدام به ترور خبرنگاران موثر در غزه و از کار انداختن

